



دانشگاه پیام نور

حکمت اشراق (۱)

(رشته فلسفه و کلام اسلامی)

دکتر مهدی زمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
۱	فصل اول: زندگی و آثار سهروردی
۲۵	فصل دوم: مفهوم حکمت اشراق و سرچشمه‌های بنیادی آن
۴۹	فصل سوم: منطق از دیدگاه حکمت اشراق
۷۳	فصل چهارم: مبانی هستی‌شناسی
۹۷	فصل پنجم: نورالانوار
۱۱۹	فصل ششم: جهان‌شناسی
۱۴۳	فصل هفتم: ارباب اصنام و مثل افلاطونی
۱۶۳	فصل هشتم: مراتب معرفت
۱۸۵	فصل نهم: علم حضوری و نحوه علم و فاعلیت خداوند
۲۰۹	منابع

پیشگفتار

کتاب حاضر برای تدریس درس دو واحدی فلسفه اشراق (۱) در دوره کارشناسی الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی نگاشته شده است و بر همین اساس تلاش شده تا حد امکان مطالب به طور روشن بیان گردد و دانشجوی دانشگاه پیام‌نور که در نظام آموزش از راه دور به تحصیل می‌پردازد، بتواند از آن به عنوان خودآموز استفاده نماید. البته بهره‌گیری کامل از کتاب مستلزم مطالعه دقیق و شرکت در کلاس‌های رفع اشکال می‌باشد تا ابهاماتی که دانشجو در هنگام مطالعه با آن برخورد می‌نماید، مرتفع گردد.

این کتاب در نه فصل تنظیم گردیده و تلاش شده است که تمام سرفصل این درس را پوشش دهد. هر فصل با اهداف رفتاری آغاز می‌گردد و با خودآزمایی پایان می‌پذیرد. مطالعه اهداف رفتاری پیش از ورود به هر فصل نوعی آمادگی برای فهم مطالب ایجاد می‌کند و پاسخگویی به خودآزمایی افزون بر سنجش یادگیری، زمینه را برای بازگشت به مطالب و امعان نظر در آنها فراهم می‌آورد.

در پایان از همه بزرگان و دوستان که در آماده‌سازی این کتاب مرا یاری نمودند کمال قدردانی و سپاس را دارم و از بابت عیوب و نواقص این اثر از همگان پوزش می‌خواهم. زحمت ویراستاری این اثر را دوست و همکار گرامیم، جناب آقای دکتر افلاطون صادقی تقبل نمودند و با دقت ویژه خویش نکات سودمندی را در جهت رفع اشکال و ابهام بعضی مطالب متذکر شدند که در این جا از لطف ایشان سپاس‌گذاری می‌کنم. همچنین از خانم مریم یارعلی دانشجوی کوشای رشته الهیات که در تصحیح

اغلاط تایپی مرا یاری کردند، قدردانی می‌نمایم.
از خوانندگان این اثر و به‌ویژه اساتید گرانقدری که به تدریس آن اشتغال دارند،
صمیمانه استدعا دارم در جهت رفع ایرادات و ابهامات با راهنمایی‌های مشفقانه خویش
مرا از لطف خودشان بهره‌مند سازند.

با سپاس
مهدی زمانی

فصل اول

زندگی و آثار سهروردی

هدف کلی:

آشنایی دانشجو با سرگذشت، اوضاع اجتماعی، سیاسی، فکری و آثار سهروردی

اهداف رفتاری:

دانشجو با مطالعه این فصل باید بتواند:

۱. به پنج مکتب فکری و شیوه نظری در تاریخ فرهنگ اسلامی اشاره نماید.
۲. مهم‌ترین نکات زندگی و شخصیت سهروردی را بیان کند.
۳. اوضاع سیاسی، اجتماعی روزگار سهروردی و علل احتمالی کشتن وی را شرح دهد.
۴. مهم‌ترین ویژگی‌های اوضاع فکری در روزگار سهروردی را توضیح دهد.
۵. نظریه ماسینیون و کُربن در طبقه‌بندی آثار سهروردی را بیان کند.
۶. به ویژگی‌های کلی آثار تعلیمی سهروردی به سبک حکمت مشاء اشاره نماید.
۷. جایگاه کتاب «حکمة الاشراق» سهروردی را در میان آثار او شرح دهد.
۸. محتوای رساله‌های تعلیمی فارسی سهروردی را بیان نماید.
۹. درباره مهم‌ترین آثار رمزی تمثیلی سهروردی توضیح دهد.
۱۰. به سه قرائت متفاوت از آثار سهروردی اشاره نماید.

حکمت اشراق و سهروردی

براساس دیدگاهی که در میان اندیشمندان معاصر رواج یافته است می‌توانیم مکتب‌های فکری و شیوه‌های نظری در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی را در چند عنوان کلی خلاصه کنیم:

۱. علم کلام،

۲. فلسفه مشاء،

۳. حکمت اشراق،

۴. عرفان و تصوف،

۵. حکمت متعالیه،

هر چند از جهاتی نمی‌توان دیوار نفوذناپذیری میان این شیوه‌های مختلف تصویر کرد و به همین سبب بسیاری از اندیشمندان مسلمان تحت چند عنوان متکلم، عارف، فیلسوف و حکیم قرار می‌گیرند، لیکن نام هر یک از آنان با یکی از این شیوه‌ها پیوند بیشتری دارد. مثلاً نام امام محمد غزالی و امام فخرالدین رازی در زمره متکلمان ذکر می‌شود و حلاج، بایزید، شیخ نجم‌الدین کبری و محیی‌الدین بن عربی را «صوفی» یا «عارف» می‌نامیم. اندیشمندان بزرگی چون ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابن‌سینا و ابن‌رشد را چهره‌های برجسته فلسفه مشاء معرفی می‌کنیم و دیدگاه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) را با نام حکمت متعالیه می‌شناسیم. از این میان، عنوان «حکمت اشراق» با نام اندیشمند اصیل ایرانی یعنی سهروردی معروف به شیخ اشراق گره خورده است و به راستی می‌توانیم او را بنیان‌گذار حکمت اشراق بنامیم.

در واقع منبع اصلی برای شناخت حکمت اشراق، آثار سهروردی است و اصول و قواعد این حکمت همان است که توسط او بیان گردیده است و به دست پیروان و شارحان آثارش مورد تفسیر قرار گرفته است. لازم به تأکید نیست که اندیشمندان و فیلسوفان برجسته‌ای نیز به بررسی و نقد آراء سهروردی پرداخته‌اند که توجه به آثار آنان برای فهم حکمت اشراق بسیار سودمند است. بنابراین هر اثری درباره حکمت اشراق اگر بخواهد روشی منطقی داشته باشد باید در آغاز به زمینه‌های پیدایش و منابع عقاید سهروردی بپردازد و پس از آن عقاید و نوآوری‌های سهروردی را بیان کند و در واپسین مرحله، تأثیر سهروردی در آراء متفکران بعدی و سرنوشت پیروان حکمت اشراق را بیان نماید.

زندگی

«ابوالفتوح شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی» معروف به «شیخ اشراق» به سال ۵۴۹ ه.ق. برابر با ۱۱۵۵ م در روستای سهرورد - از آبادی‌های نزدیک زنجان - دیده به جهان گشود. روستای سهرورد زادگاه بزرگان دیگری همچون ابونجیب ضیاء‌الدین، عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی (۴۹۰-۵۶۳) و ابوحفص شهاب‌الدین عمر سهروردی (۵۳۹-۶۳۲) نیز هست که نباید آنان را با شیخ اشراق اشتباه کرد. سهروردی در خانواده‌ای کشاورز زاده شد و برای کسب دانش به شهر مراغه رفت و نزد مجدالدین جیلی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و در محضر این استاد با امام فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶) آشنا شد. این دو همشاگردی هر کدام به راهی جداگانه رفتند. امام فخر راه بحث و استدلال را در پیش گرفت و شیخ اشراق طریق کشف و ذوق را برگزید.

سهروردی پس از چندی از مراغه بیرون رفت و به اصفهان عزیمت نمود زیرا اصفهان در آن دوران از کانون‌های مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام و ایران بود. او در این شهر نزد ظهیرالدین فارسی به مطالعه آثار ابن‌سینا پرداخت اما علاوه بر درس و بحث و همنشینی با مدرسان علوم رسمی به سیر و سلوک باطنی و پیمودن منازل و مقامات معنوی توجه ویژه داشت و به همین دلیل با بسیاری از صوفیان و عارفان آشنایی و مراوده برقرار نمود.

اقامت سهروردی در اصفهان دائمی نشد و پس از مدتی دوباره به سیر و سیاحت پرداخت، سیاحتی که همچون گذشته همراه با سیر و سلوک معنوی بود. او از شهرهای بسیاری دیدن کرد و با دانشمندان و عارفان ملاقات نمود و سپس به نواحی غرب ایران، آسیای صغیر (آناتولی) و سوریه (شامات) رهسپار گشت. در این سفرها از تعلیمات استادان طریقت و مشایخ صوفیه بهره‌ها برد و از طریق مصاحبت با قلعه‌نشینان باطنی و راز آشنایان مناطق غرب ایران^۱ با حکمت نوری و اشراق آشنا گردید. به احتمال قوی او با گروه‌هایی از اسماعیلیان آشنا بوده است زیرا برخی از آراء و تأویلات او یادآور افکار و تأویلات اخوان الصفا و باطنیان اسماعیلی است. البته منظور آن نیست که

۱. که معمولاً با نام کلی «اهل حق» از آنان یاد می‌شود.

سهروردی به‌طور رسمی عضو فرقه اسماعیلیه بوده باشد بلکه تنها ارتباط و تأثیرپذیری احتمالی او از عقاید اسماعیلیه مورد نظر است. همچنین هنگامی که از بهره‌مندی سهروردی از افکار و اصطلاحات دین زرتشت سخن به میان می‌آید منظور این نیست که او زرتشتی بوده است، بلکه نحوه آشنایی و تأثیرپذیری او از این دین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سهروردی پس از اقامت‌هایی کوتاه در آناتولی و ماردین^۱ در سال ۵۷۹ وارد شهر حلب شد و در آن جا با ملک ظاهر پسر صلاح‌الدین ایوبی^۲ آشنا شد. ملک ظاهر شیفته سهروردی شد و از وی خواست تا در حلب بماند. شیخ با پذیرش دعوت ملک ظاهر در مدرسه حلاویه شهر حلب^۳ منزل کرد و به بحث و درس مشغول گردیده او در این مدرسه در درس «شریف افتخارالدین» حضور یافت و با شاگردان وی به مناظره پرداخت و بی پروا به افشای عقاید و اسرار باطنی خود پرداخت. فقهای قشری تهمت‌های زیادی از جمله «انحلال عقیده» و «اعتقاد» به «تعطیل شریعت» بر او وارد ساختند و در نهایت گفتند که شیخ معتقد است خداوند هر گاه بخواهد می‌تواند پیامبری بفرستد و این انکار خاتمیت پیامبر اسلام است.

خلاصه آن که دشمنان او با دستاویز قرار دادن این تهمت‌ها او را تکفیر نموده و خونس را مباح دانستند و از ملک ظاهر خواستند تا او را به قتل برساند. دوستی ملک ظاهر با شیخ باعث شد که به درخواست فقیهان توجه نکند اما آنان دست بر نداشته و به پیش صلاح‌الدین ایوبی شکایت بردند و قتل او را خواستار شدند. صلاح‌الدین در آن ایام توانسته بود بر فاطمیان پیروز شود و حکومت آنان را که مظهر آمال اسماعیلیان بود، منقرض سازد. شباهت سخنان سهروردی با آراء اسماعیلیه باعث گردید که دشمنانش او را به طرفداری از فاطمیان متهم سازند و به عقاید وی رنگ و بوی سیاسی بدهند.

سرانجام پافشاری دشمنان سهروردی کارگر شد و صلاح‌الدین ایوبی به قتل او فرمان داد. ملک ظاهر برخلاف میل خویش شیخ را در حلب به زندان افکند و در سی و هشت سالگی مرده او از زندان بیرون آمد. بعضی گفتند که او را خفه کرده‌اند و بعضی نوشته‌اند که به درخواست خودش او را در خانه‌ای محبوس کرده و آب و نان بر

۱. شهری در سوریه که در آنجا با فخرالدین ماردینی ملاقات کرد.

۲. قهرمان معروف جنگ‌های صلیبی

۳. مدرسه‌ای که پس از او مولانا جلال‌الدین بلخی نیز در آن به تحصیل پرداخت.

او بستند تا از این دنیا برود. پس از مرگش قاضی شهر حلب او را معاند شرایع آسمانی معرفی کرد و از او با عنوان اهانت آمیز «شیخ مقتول» یاد نمودند اما پیروان و دوستان وی درباره‌اش عنوان «شیخ شهید» را برگزیدند. بدین سان قتل سهروردی در تاریخ ۵۸۷ هـ.ق. ضبط گردیده است.

اوضاع اجتماعی سیاسی روزگار سهروردی

سهروردی در زمانه‌ای می‌زیست که از لحاظ تنوع فرهنگی و آشوب سیاسی از ادوار دیگر چیزی کم نداشت. برای فهم فلسفه سهروردی، درک اوضاع اجتماعی و سیاسی آن زمان اهمیت بسیاری دارد و تا این اوضاع پر آشوب به‌طور کامل بررسی نشود علل قتل وی نیز روشن نخواهد شد. احترام مردمان منطقه و مخصوصاً وفاداری قوم کرد نسبت به دین زرتشت و عقاید و متون این دین و دایر بودن پرستشگاه شیز بر سر راه سهرورد به مراغه عده‌ای را بر آن داشته حدسی قوی بزنند که سهروردی به‌طور مستقیم با پیروان این دین و تعلیمات آن آشنا شده است.^۱

از طرف دیگر سهروردی در یکی از حساس ترین دوره‌های فعالیت و تبلیغ اسماعیلیه می‌زیسته است. در آن زمان دو تن از فرمانروایان جنجالی اسماعیلی به نام حسن دوم و نورالدین محمد دوم حکومت می‌کردند که اولی فرا رسیدن عید قیامت و نسخ احکام ظاهری شریعت را اعلام کرد و دومی عقاید اسماعیلی را با اصطلاحات فلسفی بیان می‌کرد. بعضی احتمال قوی داده‌اند که سهروردی از نزدیک با عقاید اسماعیلیان آشنا بود و حتی در سنت آنان از جمله «داعیان» به شمار می‌آمده است.^۲

همچنین در زمان سهروردی شمال سوریه از مرکزی قدرتمند برای شیعه به منطقه‌ای تحت سلطه اهل سنت تبدیل می‌شد و از نظر مسلمانان صلاح الدین ایوبی تنها مردی بود که می‌توانست با صلیبیان مقابله نماید. در چنین اوضاعی فقیهان ظاهری نمی‌توانستند اجازه دهند که فیلسوفی با گرایش‌های ایرانی شیعی از گوهر یگانه ادیان و حکمت و حقیقت عام و مشترک میان آنها سخن بگوید. هنگامی که مسلمانان و مسیحیان درگیر جنگی خونین بودند سخن گفتن از حقیقت یگانه اسلام و مسیحیت

۱. یثربی، «حکمت اشراق سهروردی» ۳۰ تا ۳۵.

۲. موحد، «نگاهی به سرچشمه‌های حکمت اشراق و مفهوم‌های بنیادی آن»، ۵ - ۷.

جرمی نابخشودنی و خیانتی بزرگ و بدعتی خطرناک شمرده می‌شد.
در مورد علت قتل سهروردی چند نظریه مطرح شده است:
۱. دفاع سهروردی از دین زرتشت و تأکید او بر اصالت این دین و عقاید حکیمان ایران پیش از اسلام و احتمالاً گرایش به نوعی ملی‌گرایی ایرانی در مقابل تسلط اعراب بر ایران.
۲. دفاع سهروردی از نوعی فلسفه سیاسی که بر مبنای آن فرمانروا باید حکیم باشد و حق حاکمیت از آن فیلسوف است. بی‌گمان این اندیشه برای خلیفه بغداد و صلاح‌الدین اهانت‌آمیز بوده است.^۱
۳. بعضی یاران سهروردی او را «ابوالفتح رسول الله» نامیدند و این برای ایجاد و انگیزه قتل وی کفایت می‌کند.^۲
شاید به همین علت یکی از اتهامات او را انکار خاتمیت پیامبر اسلام دانسته‌اند و ظاهراً این اتهام بیش از اتهامات دیگر در صدور حکم اعدام وی کارگر بوده است.

اوضاع فکری روزگار سهروردی

تنوع فرهنگی زمانه سهروردی اوضاع فکری متکثری را باعث شده بود. در زمان او قدرت و نفوذ کلام معتزلی تحت تأثیر کلام اشعری کاهش یافته بود و علاوه بر این مکاتب فلسفی و کلامی در معرض چالش‌های جدی از طرف صوفیان و عارفان قرار داشت. حملات شدید غزالی بر پیکر فلسفه در کتاب «تهافت الفلاسفه» راه را برای گرایش‌های صوفیانه هموار نمود. می‌توان نتیجه گرفت که در این زمان جو فکری غالب آن بود که میان فلسفه (و مخصوصاً فلسفه مشائی) و عرفان تضاد وجود دارد و آشتی میان آن‌ها امکان‌پذیر نیست و شاید همین باعث شد که سهروردی در حکمت اشراقی خود تلاش نماید تا میان فلسفه (حکمت بحثی) و عرفان (حکمت ذوقی) سازش برقرار سازد.
علاوه بر این در زمان سهروردی، فلسفه ابن‌سینا مورد تفسیرهای مختلف قرار می‌گرفت و هر مکتبی با تأکید بر بخشی از افکار او، نظری متفاوت با مکاتب دیگر اظهار می‌نمود. عده‌ای بر جنبه ارسطویی آثار ابن‌سینا تأکید می‌کردند و بعضی مانند فخر

۱. امین رضوی، «سهروردی و مکتب اشراق»، ۲۴

۲. شهرزوری، «نزهة الارواح» ۱۲۶

رازی منطق و مابعدالطبیعه او را به ابزاری برای دفاع از باورهای کلامی بدل ساخته بودند و تعدادی نیز بر آثار عرفانی او مثل حی بن یقظان و نمط نهم اشارات و تنبیهات تکیه می کردند. بنابراین سهروردی در زمانی به فعالیت فکری خود پرداخت که تفاسیر مختلفی از ابن سینا وجود داشت.^۱

زنده بودن باورهای ایران پیش از اسلام در میان پیروان دین زرتشت، حضور عقاید شیعی و باطنی اسماعیلیان و مطرح بودن آراء مختلف فیلسوفان یونان از عقاید هرمسی، فیثاغوری گرفته تا باورهای ارسطویی باعث شده بود که سهروردی با طیف گسترده‌ای از عقاید و مکاتب فکری روبرو باشد و از بسیاری از آن‌ها در پدید آوردن حکمت ویژه خویش بهره گیرد که ما در بخش بعدی تحت عنوان منابع حکمت اشراق به بررسی آن‌ها و نحوه اثرگذاری‌شان در اندیشه سهروردی خواهیم پرداخت. در اینجا تنها بر این نکته تأکید می‌کنیم که حضور و برخورد افکار گوناگون در تدوین حکمت اشراق توسط سهروردی سهم داشته و البته این بدان معنا نیست که او تنها به جمع‌آوری و تلفیق آراء زمانه خود پرداخته و فلسفه‌ای التقاطی ارائه کرده باشد بلکه تأثیرپذیری او از این آراء از اصالت فکرش چیزی کم نمی‌کند.

نوشته‌های سهروردی و نحوه طبقه‌بندی آن‌ها

سهروردی در عمر کوتاه خویش نوشته‌های بسیاری (حدود پنجاه کتاب و رساله) پدید آورد که به سبک‌های مختلف مشائی، اشراقی و عرفانی نوشته شده‌اند و از تنوع محتوایی، روشی و زبانی گسترده‌ای برخوردار هستند. همین تنوع باعث گردیده تا اندیشمندان تلاش نمایند آثار وی را طبقه‌بندی نمایند.

لویی ماسینیون آثار سهروردی را براساس دوره‌های زندگی او در سه دسته زیر طبقه‌بندی می‌کند:^۲

۱. آثار اولیه (دوره جوانی سهروردی)

۲. تألیفات مشایی

۳. نوشته‌هایی که حاصل ترکیب فلسفه مشایی و نوافلاطونی است.

۱. امین رضوی، «سهروردی و مکتب اشراق»، ۲۷

۲. همان، ۲۹

به این طبقه‌بندی ایرادهایی می‌توان گرفت از جمله اینکه سهروردی عمری طولانی نداشته تا آثار او را براساس دوره‌های زندگی تقسیم نماییم؛ همچنین بسیاری از آثار دوره آخر در جوانی تألیف شده‌اند.

اندیشمند برجسته معاصر، آقای دکتر حسین نصر وهانری کربن به گونه‌ای دیگر به طبقه‌بندی آثار سهروردی پرداخته‌اند.^۱ براساس این طبقه‌بندی آثار سهروردی در پنج دسته زیر قرار می‌گیرند:

۱. چها رساله بزرگ تعلیمی که سه رساله آن براساس مشرب فلسفه مشائی نگارش یافته است و اثر آخر، محتوای اشراقی محض دارد. سه اثر اول به نام‌های «تلویحات»، «مقاومات» و «مطارحات» معروف است و اثر آخر «حکمة الاشراق» خوانده شده است.

۲. رسالات تعلیمی کوتاه که شامل «هیاکل النور»، «الالواح العمادیه»، «پرتونامه»، «اعتقاد الحکما»، «اللمحات»، «یزدان شناخت» و «بستان القلوب» می‌شود. این رساله‌ها درباره همان موضوعاتی بحث می‌کند که در رساله‌های بزرگ تعلیمی مورد بحث قرار گرفته است. برخی از این آثار به زبان عربی و تعدادی هم به زبان پارسی است.

۳. حکایات ساده که به زبان رمزی نگارش یافته است و موضوع آنها سیر هبوط و عروج نفس است. تمامی این رساله‌ها به زبان پارسی است و شامل «عقل سرخ»، «آواز پر جبرئیل»، «الغربه الغریبه» (به زبان عربی)، «لغت موران»، «رساله فی حالة الطفولیه»، «روزی با جماعت صوفیان»، «رساله فی المعراج» و «صغیر سیمرخ» می‌گردد.

۴. تفسیرهای متون فلسفی و قرآن کریم مثل ترجمه «رساله الطیر ابن‌سینا» به زبان پارسی، تفسیر «اشارات و تنبیهات» و رساله «فی حقیقه العشق» براساس «رساله العشق» ابن‌سینا و تفسیر آیاتی از قرآن و چند حدیث.

۵. نیایش‌ها، مناجات‌ها، ندبه‌ها که شهرزوری آن‌ها را «الواردات و التقدیسات القلبیه» می‌نامد.

نگاهی اجمالی به محتوا و شکل آثار مهم سهروردی

پیش از توضیح معنای حکمت اشراق و سرچشمه‌های اصلی آن که در فصل دوم به آن

۱. شریف، م.م.، «تاریخ فلسفه در اسلام» ج ۱ ص ۵۳۱

خواهیم پرداخت لازم است ذهن دانشجو را با تصویری کلی از شکل و محتوای آثار اصلی سهروردی آشنا سازیم. دلیل ما بر این امر آن است که اگر از شاکله آثار سهروردی تصویری نداشته باشیم هنگام ورود به مطالب و بحث و بررسی پیرامون مسائل، از جایگاه نظرات و مرتبت آنها در آثار سهروردی درک روشنی نخواهیم داشت. همچنین برای آن که مطالب به صورت مستند ارائه شود ناگزیر باید به صورت گسترده‌ای به آثار سهروردی ارجاع داده شود و این ارجاعات در صورتی معنادار و جهت‌دار خواهد بود که از پیش‌نمایی کلی از آنها ارائه کرده باشیم. در ارائه این تصویر کلی تلاش خواهیم کرد که ترتیب «مجموعه مصنفات شیخ اشراق»^۱ را رعایت نماییم.

۱. تلویحات

نام کامل کتاب به صورت «التلویحات اللوحیه العرشیه» ضبط گردیده است.^۲ به گفته سهروردی این کتاب در جهت پی‌ریزی فلسفه اشراق اما براساس سنت مشائی نوشته شده است. او هدف از نگارش این کتاب را بیان مختصر قواعد فلسفه مشاء می‌داند که علی‌رغم حجم کوچکش همه قواعد فلسفی مشائین در آن خلاصه شده است.^۳ این کتاب به گفته سهروردی قبل از «حکمة الاشراق» و در اثناء نگارش آن به رشته تحریر درآمده است.

سهروردی در قسمت علم ثالث از کتاب به مباحث فلسفی پرداخته و آن را در یک مقدمه و چهار فصل (مورد) تنظیم نموده است. در مقدمه به بحث راجع به مقولات ارسطویی می‌پردازد و آنها را به چهار مقوله کاهش می‌دهد و حرکت را به عنوان مقوله پنجم بر آن می‌افزاید. بدین ترتیب تعداد مقولات را به پنج می‌رساند که عبارت خواهند بود از جوهر، کم، کیف، اضافه و حرکت. همچنین او از کلی و جزئی، حقیقی و اعتباری و ماهیت و وجود بحث می‌کند و اختلاف خود را با فلاسفه مشاء در اعتقاد به اصالت ماهیت نشان می‌دهد.

در فصل اول (المورد الاول) به بحث از واجب الوجود و صفات و افعال او

۱. که با تصحیح و مقدمه اندیشمند برجسته فرانسوی هنری کربن و توسط انجمن حکمت و فلسفه ایران به زیر طبع آراسته گردیده است.

۲. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۲ و ۳

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰

می‌پردازد. سپس فصل دوم (المورد الثانی) را به بحث پیرامون مبادی و غایات و ترتیب وجود اختصاص می‌دهد. فصل سوم (المورد الثالث) به مباحثی مانند مجرد از ماده و ادراک و عنایات می‌پردازد و سرانجام در فصل چهارم (المورد الرابع) توجه نویسنده به بحث پیرامون نبوات، آیات، منامات و معجزات معطوف می‌گردد.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که قصد سهروردی در نگارش کتاب براساس مشرب مشائین، مانع از این نمی‌شود که مؤلف در پاره‌ای از مباحث به طرح انتقاداتی به دیدگاه آنان بپردازد و طریقه اشراقی خود را مورد اشاره قرار دهد. حتی در این کتاب سهروردی به شرح مشاهده یا رؤیت خود می‌پردازد که در طی آن با ارسطو ملاقات و گفتگو می‌کند.^۱ او بعداً در کتاب مشارع، همین مشاهده و راهی که در آن به حقیقت گشوده می‌شود را بهترین تمهید و مقدمه برای حکمت اشراق معرفی می‌کند.^۲

۲. مقاومات

این کتاب نیز براساس مشرب مشائی به نگارش درآمده و بنا به گفته نویسنده به منزله پیوستی برای کتاب تلویحات می‌باشد و احياناً مطالبی که در تلویحات فروگذار شده بوده یا نیاز به تفصیل بیشتری داشته در این کتاب آمده است. کتاب مقاومات نسبت به کتاب تلویحات شکل جدلی‌تری دارد و شرح روشن‌تری بر اندیشه‌های اشراقی سهروردی به دست می‌دهد اما به‌طور کلی راهنمایی برای درک بهتر تلویحات است.

۳. مشارع و مطارحات

این کتاب از دو اثر قبلی مهم‌تر است و طولانی‌ترین نوشته سهروردی به‌شمار می‌آید. او در مقدمه این کتاب جایگاه آن را مشخص نموده و مطالعه آن را به کسانی توصیه می‌نماید که در علوم استدلالی متبحر نشده و راه خود را برای رسیدن به حکمت اشراق مسدود نموده‌اند. به گفته نویسنده مطالب کتاب نتیجه استنباط و تأمل خود اوست لیکن در ارائه مطالب از مآخذ مشائین پیروی نموده است. در این کتاب لطایفی ذکر شده که از اصول

۱. البته ارسطویی که اندیشمندان اسلامی به خطا او را نویسنده اثولوجیا (تاسوعات) می‌پنداشتند در حالی که می‌دانیم نویسنده این کتاب (انثاها: تاسوعات) افلوطین است نه ارسطو. به نظر می‌رسد بیشتر احترامی که فیلسوفان اسلامی برای ارسطو قائل بودند مدیون کتاب اثولوجیا است که تصور می‌کردند از ارسطو است.

۲. مجموعه مصنفات، ج ۱، ۴۸۴

حکمت اشراق گرفته شده‌اند و کسی که به انصاف نظر دهد اعتراف می‌کند که کتاب حاوی مطالب تازه‌ای است که در آثار فلسفه مشائنی یافت نمی‌شود. سهروردی معتقد است که مشارع باید بعد از کتاب کوچکی به نام «تلویحات» و قبل از کتاب «حکمة الاشراق» مطالعه شود. او سرآغاز حکمت را بریدن از دنیا، وسط آن را مشاهده انوار الهی و پایانش را بی‌نهایتی می‌داند.^۱

از اینجا روشن می‌شود که کتاب علاوه بر آراء مشائنین، پاره‌ای از یافته‌های عرفانی و اشراقی خود نویسنده را در بر دارد. کتاب در هفت بخش (مشرع) تنظیم شده است. که به ترتیب درباره موضوعات زیر به بحث می‌پردازد:

مشرع اول: اموری که پیش از علم کلی باید شناخته شود و مورد بحث قرار گیرد.

مشرع دوم: مقولات و اثبات جوهر یا عرض بودن آنها و مباحث مربوط.

مشرع سوم: درباره تقسیمات وجود.

مشرع چهارم: درباره واجب الوجود.

مشرع پنجم: پیرامون فعل واجب الوجود و ابداع.

مشرع ششم: درباره جود و غنا، مبادی وجود، ترتیب وجود و خیر و شر

مشرع هفتم: ادراک و علم واجب الوجود و مفارقات و بقاء نفس و سعادت

در مشرع هفتم نویسنده روش استدلالی را کنار نهاده و به بیان مطالب به شیوه اشراقی می‌پردازد. همچنین در این کتاب به موضوع زبان اشراق توجه نشان می‌دهد و آن را برای فهم حکمت اشراق بسیار لازم می‌داند.^۲

۴. حکمة الاشراق

شاهکار اصلی سهروردی در بیان حکمت خاص اوست. به گفته نویسنده محتوای این کتاب که ظرف چند ماه در سال ۵۸۲ ه.ق. نگارش یافته است، توسط شبیحی روحانی بر او نازل شده است.^۳ او این کتاب را برای کسانی مفید می‌داند که هم در جستجوی

۱. مجموعه مصنفات، ج ۱، ۱۹۴-۱۹۵

۲. همان، ۴۹۴

۳. همان، ج ۲، ۲۵۹

حکمت ذوقی هستند و هم جویای حکمت بحثی.^۱

کتاب حکمة الاشراق شامل دو قسمت (قسم) اصلی است. قسمت اول (القسم الاول) به ضوابط فکر اختصاص دارد که قواعد منطق اشراقی و مغالطه‌های مشائیان را بیان می‌کند. قسمت دوم (القسم الثاني) درباره انوار الهیه، نورالانوار، مبادی وجود و ترتیب آن است. قسمت دوم که اهمیت بیشتری دارد پنج مقاله را در برمی‌گیرد که به ترتیب عبارتند از:

مقاله اول: درباره نور و حقیقت آن و نورالانوار و صادر اول

مقاله دوم: پیرامون ترتیب وجود

مقاله سوم: کیفیت نورالانوار و انوار قاهره و حرکات علوی

مقاله چهارم: تقسیم برزخ‌ها و هیئت‌ها و ترکیبات آن‌ها

مقاله پنجم: درباره نبوات و منامات

سهروردی در پایان حکمة الاشراق به حفظ این کتاب و احتیاط در آن امر کرده و سفارش می‌کند که آن را از کسانی که شایستگی ندارند دریغ کنند. به گفته وی تنها کسی باید از این کتاب بهره‌برد که مبانی حکمت مشاء را به درستی دریافته باشد و علاوه بر آن نسبت به نور الهی عشق ورزد و پیش از آغاز مطالعه کتاب چهل روز ریاضت بکشد و از خوردن گوشت پرهیز نموده و مقدار غذایش را کم کند و برای تأمل درباره نور الهی از همه چیز جدا گردد.^۲

۵. پرتو نامه

سهروردی سه رساله تعلیمی و فلسفی به زبان فارسی دارد که عبارتند از «پرتو نامه»، «هیاکل النور» و «الواح عمادی». رساله پرتو نامه با مبحثی پیرامون الفاظ و منطق آغاز می‌گردد. فصل دوم به بحث درباره زمان، جسم، مکان، کون و فساد، حرکت و طبایع اختصاص دارد. در فصل سوم درباره استبصار نفس و براهین اثبات تجرد نفس بحث می‌شود. در این فصل سهروردی نظریه جسمانیة الحدوث بودن نفس را می‌پذیرد. فصل چهارم به قوای نفس می‌پردازد و در این مبحث از روش ابوعلی سینا در شفا و نجات

۱. مجموعه مصنفات، ج ۲، ۱۲

۲. همان، ۲۵۸